



Research Article

The Process of Compiling and Teaching Islamic Theology in the Advent of Islam (until the End of the Fortieth Year A.H)¹

Somaye Bayati

PhD. in Islamic History, Shiraz University, Shiraz, Iran. bayatisomaye@yahoo.com

Hassan Javadiniya

Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Bushehr, Iran (**Corresponding Author**), hasanjavadinia@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review the process of compiling and teaching Islamic theology from the life period of the Prophet Mohammad (PBUH) until the end of Imam 'Ali (AS)'s governance. The method of study is descriptive-analytic and the results indicate that Islam's dear Prophet (PBUH), either in narrations and hadith or behavior and conduct, paid special attention to teaching knowledge, especially Islamic sciences such as Qerā'at (recitation). During the period of the triplet caliphs, due to some riots such as the riot of Ahl-e Reddah and battle against false prophets as well as the advent of the conquests era and wars out of the Arabian Peninsula, no attention was paid to compiling and teaching other knowledge except teaching Islamic sciences such as Qerā'at, Tafīsir and Feqh. Imam 'Ali (AS), due to his entanglement in civil wars that began from the beginning until the end of his caliphate, could find just enough time to teach and compile Islamic instruction such as Tafīsir, Hadith, and grammar. Furthermore, since the Omavi period, because some neighboring countries accepted Islam, different beliefs and thoughts were created so efforts for the compilation and writing Islamic sciences began.

Keywords: Islamic Theology, Prophet of Islam (PBUH), Noble Qur'an, Education, Rāshedin Caliphs, Imam 'Ali (AS), Islamic Sciences.

1. **Received:** 2021/12/26 ; **Revision:** 2022/03/06 ; **Accepted:** 2022/03/07

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Publisher: Farhangian university





فرایند تدوین و آموزش معارف اسلامی در صدر اسلام (تا پایان سال چهارم هجری)^۱

سمیه بیاتی

دکتری، تاریخ اسلام، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. bayatisomaye@yahoo.com

حسن جوادی‌نیا

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول).

hasanjavadinia@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی فرایند تدوین و آموزش معارف اسلامی از دوره حیات پیامبر(ص) تا پایان حکومت حضرت علی(ع) است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که پیامبر گرامی اسلام(ص) چه در قالب روایات و حدیث و چه در قالب رفتار و عمل به آموزش علوم، به خصوص آموزش علوم اسلامی مانند قرائت، توجه و اهتمام ویژه‌ای داشتند. در دوره خلفای ثلاث، به دلیل ایجاد شورش‌هایی چون شورش اهل رده و نبرد با پیامبران دروغین و نیز آغاز عصر فتوحات و جنگ‌های خارج از شبه جزیره عربی، به استثنای توجه به آموزش علوم اسلامی مانند قرائت، تفسیر و فقه، به تدوین و آموزش سایر علوم توجهی نشد. حضرت علی(ع) نیز به دلیل درگیری با جنگ‌های داخلی که از آغاز خلافت ایشان تا پایان آن ادامه داشت، تنها فرصت آموزش و تدوین معارف اسلامی مانند تفسیر، حدیث و صرف و نحو را یافت. همچنین از دوره اموی به دلیل ورود سرزمین‌های اطراف به اسلام و پذیرش این دین، چون افکار و عقاید متفاوتی پدید آمد، تلاش برای تدوین و تألیف در زمینه علوم اسلامی نیز آغاز شد.

کلیدواژه‌ها: معارف اسلامی، پیامبر اسلام(ص)، قرآن کریم، آموزش، خلفای راشدین، حضرت علی(ع)، علوم اسلامی.

۱. **استاد به این مقاله:** بیاتی، سمیه؛ جوادی‌نیا، حسن (۱۴۰۱). فرایند تدوین و آموزش معارف اسلامی در صدر اسلام (تا پایان سال چهارم هجری). *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ۲(۲)، ص ۶۷-۸۰. DOI: 10.22034/triet.2022.10691.1095

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

۱. مقدمه

با در نظر گرفتن این امر که کلمه علم و مشتقات آن بارها و بارها در مواضع مختلف در قرآن بکار رفته است، می‌توان به جایگاه علم، دانش و فضیلت آن در اسلام پی برد. همچنین با دقت در آیات الهی، احادیث نبوی و سایر معصومان آشکار است که در تاریخ هیچ دینی به اندازه اسلام تشویق و توصیه به فراگیری علم و دانش و تعلیم و آموزش نمی‌توان یافت؛ تا جایی که همین تشویق و حمایت بزرگان دینی از فراگیری و آموزش علوم از اسباب عمده و اولیه آشنایی مسلمین با علوم شد. در زمینه دانش‌اندوزی و تشویق به فراگیری علم و دانش آیات بسیاری از قرآن کریم وجود دارد، از جمله سوره آل عمران (آیه ۱۹۰)، سوره انعام (آیه ۹۷) و سوره یونس (آیه ۵).

از همان آغاز عرضه دعوت پیامبر گرامی اسلام (ص) بر جامعه بشری، آیاتی با تعبیرهای ویژه از جمله «أُولُوا الْأَلْبَابِ وَأُولُوا الْأَبْصَارِ» بر ایشان نازل می‌شد که به تعقل و معرفت، آموزش علم و دانش و تقدس و تجلیل از علما و دانشمندان تاکید داشت. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، «بگو آیا دانایان با نادانان مساوی‌اند؟ جز این نیست که تنها خردمندان یادآور می‌شوند» (زمر، ۹). افزون بر این، آیات فراوان دیگری وجود دارند که همگی در جهت توصیه و تأکید بر فراگیری علم و دانش نازل شده‌اند، نظیر سوره‌های انعام (آیه ۹۷)، آل عمران (آیه ۱۹۰)، یونس (آیه ۵). در واقع آموزش و فراگیری دانش از محوری‌ترین برنامه‌های فردی و اجتماعی اسلام محسوب می‌شود.

علی‌رغم توصیه و تشویق مؤکدی که قرآن کریم در راستای دانش‌اندوزی و احترام به علما و خردمندان دارد، تا اواسط نیمه نخست قرن دوم که مصادف با سال‌های پایانی حکومت اموی در شام است، اعراب مسلمان از یک‌سو به دلیل اشتغال به فتوحات و کشورگشایی‌ها که از عصر خلفاء پیشین شروع شده بود و از سوی دیگر، با شرایط جامعه آن روز که هنوز دامن‌گیر درگیری‌ها و نزاع‌های قبیله‌ای بود، به تدوین و آموزش علوم طبیعی یا به عبارتی دیگر علوم غیر اسلامی که مقتبس از تمدن‌های مفتوحه و ملل قدیم شرق و غرب بود (شامل ریاضی، پزشکی، نجوم و سایر علوم طبیعی)، توجه چندانی مبذول نداشتند و جز در مواردی اندک و دوره‌ای کوتاه، تلاش قابل توجهی در تکوین و آموزش این دسته از علوم صورت نگرفت. اما اعراب مسلمان که هم قرآن به زبان آنان نازل شده بود و هم احادیث نبوی به زبان عربی تدوین گردیده بود، به منظور جلوگیری از تحریف شریعت اسلامی، به تدوین و آموزش علوم اسلامی یا علوم شرعی از جمله قرائت، تفسیر، نحو و... پرداختند که مرجع آنان قرآن و حدیث بود و به طور خاص در قلمرو تمدن اسلامی به وجود آمده بودند.

۲. اهداف پژوهش

از جمله موضوعاتی که در بررسی سیره پیامبر(ص) و خلفا کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، موضوع آموزش معارف اسلامی است. پیامبر اسلام(ص) علی‌رغم همه اشتغالاتش (که فقط یکی از آنها درگیری در تعداد بسیاری غزوه و سریه بود)، در مدینه به آموزش اصحاب توجه ویژه‌ای مبذول نمود. به نحوی که با نگاهی عمیق می‌توان گفت اصلی‌ترین دغدغه سیاسی - اجتماعی ایشان، تربیت نسلی از شخصیت‌های آموزش دیده و فرهیخته بود که تعداد آنها به هزاران نفر می‌رسد. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد بررسی روند تدوین و آموزش معارف اسلامی از عصر پیامبر(ص) تا پایان سال چهارم هجری است.

در راستای پژوهش حاضر، تحقیقاتی انجام شده است، از جمله: الهامی (۱۳۷۸)، در پژوهشی با عنوان تاریخچه نظام آموزش اسلامی، پس از اشاره‌ای مختصر به امر آموزش در عصر پیامبر(ص)، به معرفی مکان‌های آموزشی چون مساجد، مکتب‌خانه‌ها و نظامیه‌ها در سرزمین‌های مختلف جهان اسلام و شرایط تدریس و آموزش در این مکاتب می‌پردازد که تقریباً از اواسط خلافت عباسی به بعد توسعه یافتند و مشهور شدند.

صفری فروشانی (۱۳۸۱)، در پژوهشی با عنوان روند تاریخی آموزش از صدر اسلام تا پایان امویان، یکی از ارکان مهم آموزش یعنی مکان آموزش را مساجد، بادیه، بازار، کاخ و جبانه معرفی می‌کند.

۳. آموزش معارف در روزگار پیامبر(ص)

وضعیت علمی شبه جزیره عربستان به عنوان خاستگاه تمدن اسلامی به دلیل تاکید بر قوه حافظه و عدم نگارش، از لحاظ علمی بسیار آشفته بود. نخستین گام‌های علم‌آموزی با توصیه قرآن کریم و سفارش‌های پیامبر(ص) برداشته شد. پیامبر گرامی اسلام(ص) از روش موعظه و خطابه به عنوان یکی از روش‌های مهم تعلیم و تربیت استفاده می‌کرد. خطابه و موعظه‌هایی که بیشتر در قالب احادیث و گفتار ایشان نمایان می‌شد. در احادیث و اقوال پیامبر(ص) موارد بسیاری در تجلیل و تکریم از علم‌اندوزی و در فضیلت علما یافت می‌شود. احادیثی نظیر: «یک ساعت علم‌آموزی بهتر از عبادت در دل شب است»، «یک روز علم‌اندوزی بهتر از سه ماه روزه‌داری است» (سیوطی، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۱۳۲)، «فراگیری دانش بر هر مسلمانی واجب است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۱) و «دانش آموختن بر هر زن و مرد مسلمان واجب و فریضه است»، این احادیث نمونه‌هایی از تاکید بر دانش‌اندوزی در اسلام هستند.

در سنت پیامبر (ص) علاوه بر روایات و احادیثی که به ترویج و آموزش علوم دلالت دارد، تاکیدات بسیاری نیز در قالب رفتار، بیانگر تلاش و تشویق آن حضرت در امر آموزش و تعلیم است؛ از جمله اقدام پیامبر (ص) پس از شکست مشرکین در جنگ بدر. در واقع پیامبر (ص) پس از جنگ بدر مقرر داشت که هر یک از اسیران مکه که ده کودک مسلمان را سواد بیاموزد، آزاد است (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴). در واقع رسول خدا (ص) آموزش معارف و تعلیمات خویش را بر اساس اوضاع و شرایط اجتماعی انجام می‌دادند و علاوه بر تاثیری که سخنان و احادیث وی داشت، اساساً تمامی حرکات و رفتار ایشان نیز تعلیم و تربیت بود.

پیامبر (ص) بر آموزش، به خصوص آموزش دینی اهتمام بسیاری داشتند. از این‌رو از همان ابتدای بعثت، آموزش دین به عنوان اساس کار آموزشی مسلمانان قرار گرفت (قتال نیشابوری، بی تا، ص ۱۲). بدین صورت نقش، تلاش و اقدامات پیامبر گرامی اسلام (ص) در سوق دادن انسان به قرب الهی و رسیدن به آن و دستیابی به سعادت که جز با فراگرفتن علم و دانش میسر نبود، ستودنی است. در واقع یکی از شئون پیامبر اکرم (ص) تعلیم و تبیین معارف قرآن کریم بوده است و آیاتی از قرآن کریم نظیر «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل، ۴۴) و «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه، ۲)، به وضوح تاکید بر این مطلب است.

در روزگار پیامبر (ص) مسجد النبی که همزمان با هجرت رسول خدا (ص) به مدینه بنیاد گردید، پایگاه اساسی‌ترین تعلیمات در تاریخ آموزش اسلامی قرار گرفت (غنیمه، ۱۳۷۲، ص ۴). در میان علوم اسلامی، اولین علمی که تکوین یافت، علم قرائت بود (مطهری، ۱۳۵۴، ج ۳، ص ۴۶۹). علمی که شخص رسول خدا (ص) برای جلوگیری از اختلاف و به منظور یکنواخت نگاه داشتن قرآن، آن را از همان زمان نزول به صحابه تعلیم فرمود. در واقع قرآن اساس علوم اسلامی و تعلیم آن پایه تعلیم اسلامی بود و نخستین درس‌های قرآن قرائت آن و نخستین معلم در اسلام پیامبر اکرم (ص) بود که آن کتاب مبین را به صحابه تعلیم می‌فرمود (حلبی، ۱۳۷۲، ص ۴۰۸). قرائت قرآن تاثیر بسیاری بر شنوندگان و خوانندگان آن به دنبال داشت. در قرآن نیز سفارشات بسیاری بر خواندن قرآن شده است که همگی بیانگر همین تاثیر بسزایی است که قرائت قرآن بر خوانندگان و شنوندگان خود دارد.

به دلیل توجه بیش از حد پیامبر (ص) به حفظ و نگاهداشت آیات قرآنی به هر دو شیوه شفاهی و کتبی نزد صحابه، اولین اقدام جدی ایشان در امر آموزش، استنساخ قرآن کریم بود (جان احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶). به عبارت دیگر، علم قرائت از کهن‌ترین علوم اسلامی است و پیامبر گرامی

اسلام (ص) در واقع پایه‌گذار قرائت قرآن است. از این رو برخی محققان، پیامبر (ص) را نخستین معلم جامعه اسلامی دانسته‌اند (زیدان، بی‌تا، ج ۳، ص ۶۲۵). به افرادی که قرآن را به دیگران می‌آموختند، مُقری گفته می‌شد. گویا مصعب بن عمیر اولین کسی بود که پیامبر (ص) به عنوان مُقری قبل از هجرت به مدینه فرستاد. بنا به گفته ابن عبدالبر: «كان رسول الله صلى الله عليه وسلم قد بعث مصعب بن عمير إلى المدينة قبل الهجرة بعد العقبة الثانية يقرئهم القرآن ويفقههم في الدين، وكان يدعى القارئ والمقرئ» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۴۷۳). در پی تلاش‌ها و تشویق‌های پیامبر (ص)، به منظور قرائت قرآن، زمینه اجتماعی پدید آمدن قاریان یا قراء مهیاء گردید. چنانچه تعدادی از قراء در غزوه بدر معونه (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۹۷) و ذات الرجیع (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۹) به شهادت رسیدند.

یکی دیگر از معارف اسلامی که در عهد حضرت محمد (ص) به آن پرداخته می‌شد، تفسیر بود. تفسیر علمی است که درباره چگونگی نطق به الفاظ قرآن معانی‌ای که در حالت ترکیب در آن الفاظ احتمال می‌رود، سخن می‌گوید (بدر بن ناصر، ۱۴۲۰ق، ص ۱۳). مسلمانان از همان سده‌های نخستین اسلامی بر آن بودند تا در فهم معانی قرآن و در راه تأسیس دانشی مستقل در حوزه معارف قرآنی به نام تفسیر بسیار بکوشند و در این راه به پیشرفتی چشمگیر دست یابند (قربانی، بی‌تا، ص ۷۷). به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال که نخستین مفسر قرآن کریم چه کسی بود؟ بدون شک نام حضرت محمد (ص) به عنوان نخستین مفسر می‌درخشد. در واقع هم مرحله آموزش تفسیر و هم مرحله تدوین تفسیر از زمان رسول گرامی اسلام (ص) و همزمان با نزول قرآن کریم بوده است، زیرا قرآن کریم کلام پروردگار متعال است و ظاهر و باطن و معانی و تفاسیر مختلفی دارد که به آنچه از ظاهر آیات فهمیده می‌شود، محدود نمی‌شود. در واقع در قرآن معارف و دانش عمیقی نهفته است که فهم و درک آنان نیازمند تبیین نبی اکرم (ص) بوده و بدون تبیین آن حضرت نمی‌توان به آن‌ها دست یافت. در روایتی از حضرت علی (ع) آمده که هر آیه‌ای که نازل می‌شد، پیامبر (ص) تفسیر و تأویل آن را برای من می‌فرمود و من یادداشت می‌کردم (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

در نهضت علمی پیامبر (ص)، حتی زنان نیز از امر آموزش محروم و بی‌بهره نبودند. چنانچه به نقل از شفا ام سلیمان بن ابی حثمه، پیامبر (ص) از وی خواست که به برخی از زنان چون حفصه قرآن بیاموزد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۸۶۹؛ بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۶۵۶). به فرمان پیامبر (ص)، عبدالله بن سعید بن عاص در مدینه به مردم خواندن و نوشتن یاد می‌داد (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲،

ص ۸۹). از عباده بن صامت نیز نقل شده است که من به جمعی از اصحاب صفه خواندن و نوشتن و قرآن می‌آموختم (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۵۶). با گرایش اعراب بازمانده در سال نهم هجری به اسلام، امر آموزش قرآن و عمل به احکام اسلامی در رأس برنامه‌های پیامبر(ص) قرار گرفت و بدین منظور تعدادی از صحابه که واقف به خواندن و نوشتن و تعلیم احکام دین بودند را برای تعلیم و آموزش نومسلمانان به نواحی مختلف اعزام کرد. از جمله معاذ بن جبل به یمن فرستاده شد تا بر آنان قرآن بخواند و فقه بیاموزد (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۳۳). پیامبر(ص) به منظور فراگیری علم و دانش، از پایگاه مسجد برای آغاز این حرکت نو بنیاد اسلامی استفاده کرد و اولین کلاس‌های درس و فراگیری را در آنجا برپا نمود. نخستین آموزشگاه عصر نبوت، مسجدالنبی بود که در آنجا همه تعلیمات اسلامی به فراگیران دانش آموزش داده می‌شد. فضای پرنشاط کسب علم در روزگار پیامبر(ص) زمینه‌ساز استفاده از اهل کتاب و مشرکان باسواد در امر آموزش شد. این جماعت هیچ‌گونه پیوندی با قرآن و دین اسلام نداشتند (شبلی نعمانی، ۱۳۲۸، ص ۴۲-۴۴). گویا مهم‌ترین وظیفه این جماعت، تنها یاد دادن مهارت خواندن و نوشتن بود. چنانچه پیش‌تر اشاره شد، پیامبر(ص) پس از جنگ بدر اعلام نمود اسیرانی که استطاعت پرداخت فدیة را در ازای آزادی خود نداشتند، اما از توانایی خواندن و نوشتن بهره‌مند بودند، می‌توانند به ده نفر از مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزند و آزاد شوند. هر یک از مسلمانان که مهارت خواندن و نوشتن را می‌آموختند، می‌توانستند موضوعات درسی دیگری چون خواندن و یا کتابت قرآن و ثبت وحی را آموزش دهند (جان احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷).

۴. آموزش معارف در عهد خلفای ثلاثه

با وفات پیامبر گرامی اسلام(ص)، گرچه خلفای پس از ایشان، مسلمانان را از تألیف کتابت که پله آغازین برای تدوین علوم بود، بازداشتند (از جمله ابوبکر و عمر تدوین احادیث پیامبر(ص) را منع کردند) (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۰، ص ۲۸۵)، اما در تمامی این دوران، اعراب همچنان اخبار، تفسیر، فقه و قرائت قرآن را مانند دوره جاهلیت در سینه‌های خود حفظ کرده و به صورت شفاهی و سینه به سینه به دیگران آموزش می‌دادند. در این زمان علی‌رغم اینکه نوشتن و نگارش تا حدودی میان آنان معمول شده بود، اما با تألیف کتاب آشنا نبودند و یک قرن تمام، جز قرآن کتاب دیگری نداشتند (زیدان، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴۹-۴۵۱). به عبارتی می‌توان گفت: در دوره خلفای ثلاثه نیز به جهت حضور اصحاب پیامبر(ص) در شهرها و مراجعه مردم به آنان، آموزش و تعلیم علوم دینی نظیر قرائت، فقه و تفسیر، به صورت شفاهی ادامه یافت. عبدالله بن مسعود یکی از این اصحاب بود که مردم در تفسیر

آیات قرآن مطالبی از او می‌پرسیدند (امین، ۱۳۱۶، ج ۱، ص ۱۵۰). این گروه از اصحاب رسول خدا(ص)، پس از رحلت ایشان نیز همچنان به رسالت خود مبنی بر آموزش نومسلمانان ادامه دادند. با آغاز عصر فتوحات و وسیع شدن ممالک اسلامی، بدلیل رویارویی و تقابل اعراب مسلمان با ملل و تمدن‌های همجوار خود، آراء و عقاید مختلفی پدید آمد (زیدان، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴۹). زمانی که مردم کشورهای مجاور، به خصوص ایران و روم، اسلام آوردند، در رابطه با قرآن به سبب عدم آشنایی به زبان آن کتاب، دچار اشکال شدند و برای فهم آن به ناچار دست به تفسیر و تأویل قرآن زدند (حلبی، ۱۳۷۲، ص ۲۹-۲۷). در نتیجه، مسلمانان به منظور حفظ اسلام و تعالیم آن، به تدوین علوم اسلامی و آموزش آن پرداختند و اصول و قواعدی تنظیم کردند که نه تنها کتابت را مکروه نمی‌شمرد، بلکه آن را مستحب می‌دانست (زیدان، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴۹).

در دوره خلافت ابوبکر، سیاست منع تدوین حدیث بر کندی روند آموزش افزود. به دنبال منع تدوین حدیث، بخش فعالی از جامعه منزوی شد و یکی از داغ‌ترین مباحث علمی که ممکن بود جامعه را به گفتمان، استدلال و عقلانیت وادارد، به تعطیلی کشیده شد و تاکید بر ابعاد تعبیدی قرآن کریم و عدم پرداختن به تفسیر آیات الهی، جریان مناقشات علمی را با رکود مواجه می‌کرد. در دوره خلیفه دوم در مساجد نوبنیاد در سرزمین‌های فتح شده، آموزش زبان عربی برای خواندن و فهم آیات قرآن آغاز گردید و بسیاری از صحابه به جای شرکت در جهاد، به تعلیم نوآموزان و فراگیران پرداختند. مساجد شهرهای مهم کوفه، بصره، مدائن و حیره تأسیس گردید و به فرمان خلیفه دوم برخی صحابه مأمور اقامه نماز و آموزش قرآن و مسائل دینی در این مساجد شدند. دوره خلافت عثمان (۳۵-۲۳ق) نیز به توسعه اراضی تمدن اسلامی و تثبیت فتوحات گذشت. مهم‌ترین نکته در این دوره، بکارگیری عده‌ای از صحابه صاحب فن نگارش برای رونویسی مجدد قرآن کریم بود (جان احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۹-۱۳۰).

با توجه به شرایط جامعه مسلمین، پس از رحلت پیامبر(ص) مبنی بر ظهور پیامبران دروغین و آغاز جنگ‌های رده و همچنین با آغاز عصر فتوحات در عصر خلیفه ابوبکر، اوج گرفتن فتوحات در عصر خلیفه دوم و تثبیت فتوحات در دوره عثمان، در این برهه زمانی تقریباً بیست و پنج ساله، مسلمانان توجه و اهتمام چندانی به کتابت و امر آموزش نداشتند (زیدان، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴۸). تعدد جنگ عامل اصلی نبود، بلکه علت اصلی عدم رشد علمی، دوری از اهل بیت(ع) بوده است. این دوران از لحاظ علوم طبیعی نیز تفاوت چندانی با دوره جاهلیت نداشت، چون زمان آشوب‌ها و جنگ‌های داخلی، کشورگشایی و جهاد برای گسترش اسلام و برافراشتن پرچم‌های پیروزی آن در سرزمین‌های دور دست

بود. به همین جهت مسلمانان در این دوره جز به سیاست و جهاد و بدست آوردن غنیمت و آموزش امور دینی و شرعی، به صورت شفاهی توجهی نداشتند و بازار علوم طبیعی و آموزش و تعلیم آن علوم به نهایت درجه بی‌رواج بود (نلینو، ۱۳۴۹، ص ۱۷۴).

در رابطه با علم حدیث و نگارش آن، در حالی که شیعیان به رهبری امام علی (ع) از همان آغاز به اهمیت حدیث پی برده بودند و با کتابت آن به حفظ این میراث تاریخی اقدام کردند، اما در مقابل، اهل سنت تا نیمه اول سده دوم هجری، یعنی زمانی که عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱ق) دستور به نگارش احادیث را صادر کرد (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۵۰)، مجموعه مدونی از احادیث نداشتند، زیرا چنانچه اشاره شد، خلیفه دوم کتابت احادیث پیامبر (ص) را منع کرده بود. جلوگیری از تدوین و نشر احادیث پیامبر گرامی اسلام (ص)، چون یک جریان حکومتی بود و بنا به خواست خلفای وقت مطرح شد، از یک سو فراگیر نشد و از سوی دیگر، کسانی چون حضرت علی (ع) و صحابه و یاران وی که با این سیاست مخالفت ورزیدند، بر تدوین و نشر احادیث پای فشردند.

ابن خلدون در مقدمه کتاب خود صحبت از آتش سوزی کتابخانه مداین و اسکندریه را پیش می‌کشد و می‌نویسد: هنگام فتح ایران و مصر، خلیفه عمر با این استدلال که با وجود قرآن ما را نیازی به هیچ کتاب دیگری نیست و هیچ چیز جز قرآن لایق خواندن و آموزش و تعلیم نیست، به سعد بن ابی وقاص و عمرو بن عاص دستور داد تا کتابخانه‌های مداین و اسکندریه را آتش بزنند و کتاب‌ها را به آب بیاندازند (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۰۰۲). گرچه محققانی نظیر شهید مطهری، حسن ابراهیم حسن و دکتر زرین کوب با وجود اینکه جزئیات وقایع فتوحات اسلامی در ایران و روم در منابع تاریخی اسلامی قرون اول ضبط شده است، اما در هیچ منبع و مدرک تاریخی دست اول مربوط به تاریخ اسلام چون تواریخ عمومی یعقوبی، طبری و مسعودی سخنی درباره آتش سوزی کتابخانه‌های ایران نیامده و برای اولین بار در قرن ۷ق. توسط عبداللطیف بغدادی و ابن القفطی ذکر شده این روایت را رد می‌کنند (بغدادی، بی‌تا، ص ۱۱۴؛ قفطی، ۱۳۷۱، ص ۴۸۵).

۵. آموزش معارف در عهد امیرالمومنین علی (ع)

حضرت علی (ع) چون با شأن نزول آیات، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آیات آشنا بود، احکام و قوانین دین و معارف اسلامی را از قرآن کریم استخراج می‌نمود و در اختیار مسلمانان قرار می‌داد. پیامبر (ص) در رابطه با علم و دانش حضرت علی (ع) فرمود: «خداوند آنقدر از فهم و دانش به علی عطاء فرمود که اگر فهم و دانش او را بین زمینیان تقسیم کنند، همه را در برخواهد گرفت و همه دانا

می‌شوند» (مجلسی، بی‌تا، ج ۳۹، ص ۳۷). در جایی دیگر حضرت محمد(ص) می‌فرماید: «امام مبین همین علی(ع) است. او امامی است که خداوند تبارک و تعالی دانش همه چیز را در او نهاده است» (همان، ج ۳۷، ص ۴۲۷). حدیث دیگر پیامبر(ص) که عبارت است از: «انا مدینه العلم و علی بابها»، «من شهر علم هستم و علی درب آن شهر است»، به تنهایی بیانگر علم و دانش حضرت می‌باشد.

علی‌رغم احداث ذکر شده در رابطه با علم و دانش والای حضرت علی(ع)، در دوره خلافت ایشان گرچه اهتمام و توجه امام به امر آموزش انکارناپذیر بود، اما مشکلاتی چون اوضاع آشفته داخلی و جنگ‌های داخلی، عدم بلوغ ذهنی و کوتاهی مدت خلافت امام علی(ع)، امر آموزش را با مشکل مواجه کرده بود. از این‌رو در این دوره نیز با توجه به شرایط ذکر شده، فرصت مناسبی برای رسیدگی به تدوین و تکوین علوم طبیعی و آموزش عمومی غیر از علوم دینی و اسلامی وجود نداشت. گرچه بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌های آن حضرت تأکیدی است بر علم‌اندوزی و دانش‌افزایی که در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

«یا کمیل العلمُ خیرٌ من المال، العلمُ یحرُسک و أنت تحرسُ المال. و المال تنقصُهُ النفقه، و العلم یزکو علی الانفاق، و صنعُ المال یزول بزوال»، «ای کمیل! دانش بهتر از مال است، زیرا دانش تو را حفظ می‌کند، در حالی که تو باید مال را حفظ کنی، مال به خرج کردن، کاهش می‌یابد، ولی دانش با صرف کردن افزوده می‌شود، و آنکه ساخته مال است، با زوال مال از بین می‌رود (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۷).

«ایها الناس! سلونی قبل أن تفقدونی، فلأنا بطرق السماء أعلمُ منی بطرق الارض»، «ای مردم! از من بپرسید، پیش از آنکه از دستم دهید، زیرا من به راه‌های آسمان داناترم از راه‌های زمین» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۹).

«لیس الخیرُ أن یکثرَ مالک و ولدک، ولکن الخیرُ أن یکثرَ علمک و أن یعظم حلک، و أن تباهی الناس بعبادة ربک»، «خیر آن نیست که دارایی و فرزندت زیاد شود، بلکه خیر آن است که علمت افزون و حلم و بردباری‌ات بزرگ گردد و بتوانی در میان مردم به پرستش پروردگارت مباحث کنی» (نهج‌البلاغه، حکمت ۹۴).

امام علی(ع) بعد از حضرت محمد(ص)، دومین مفسر آگاه به مفاهیم و معانی قرآنی بود. فهم مرتبه کامل آن بدون تبیین نبی‌اکرم(ص) ممکن نیست و تنها کسانی توان تفسیر همه معارف قرآن را دارند که همه تبیین‌های آن حضرت را دریافت کرده باشند و روایات بسیاری نشان می‌دهد که چون حضرت علی(ع) از کودکی نزد پیامبر(ص) رشد و پرورش یافته است، همه معانی و معارف قرآن و

تنزیل و تأویل آن را از رسول خدا(ص) فراگرفته است و مانند خود آن حضرت به همه معانی و معارف قرآن آگاه بوده است و توان تفسیر و تبیین همه معانی و معارف قرآن را دارد. تفسیر امام علی(ع) را باید آغاز تفسیر عقلی از قرآن کریم دانست. منظور از تفسیر عقلی، تبیین و تفسیر آیات قرآن بر اساس روش تعقلی بوده و این روش در حقیقت همان سیاقی است که قرآن کریم به اهل ایمان می‌آموزد (ولایتی، ۱۳۹۱، ص ۷۳).

در مکتب امام علی(ع) شاگردانی ممتاز چون ابواسود دونلی پرورش یافتند که بعدها در ابداع روش‌های جدید خط و نگارش جزو سرامدان روزگار خود شدند (جان احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۱). ادوارد بروان^۱ می‌نویسد: باید گفت که تحقیقات صرفی و نحوی و ادبی با کارهای ابوالاسود دونلی یار و رازدار حضرت علی(ع) آغاز شد (بروان، ۱۳۴۳، ص ۲۲۵). زیرا نخستین چیزی که تازیان در ضبط قرائت قرآن به آن نیازمند شدند، نحو بود و عاملی که آنان را به وضع این علم پُرانگیخت، مواردی از قرائت غلط قرآن بود که از مردم می‌شنیدند (حلبی، ۱۳۷۲، ص ۴۸).

خطبه‌های فصیح و پرمایه حضرت علی(ع) در مسجد کوفه، زمینه‌ساز ایجاد علم صرف و نحو شد. در همه دوران‌های تاریخ بشری، هیچ‌کسی در بلاغت سخن، منزلت حضرت علی بن ابی‌طالب(ع) را نداشته است. چنانکه نهج‌البلاغه شاهکار علم و ادب و حاصل فصاحت و بلاغت ایشان است. عرب در دوره جاهلیت با زیبایی‌های بلاغی کلام آشنا بودند و از این تکنیک‌ها در کلام منظوم و منثور خود بهره می‌بردند. اما آنچه باعث شد این زیبایی کلامی رشد نموده و شکوفا شود، ظهور اسلام و نزول کتاب قرآن بود که اعراب از زیبایی و نظم مسحورکننده‌اش شگفت زده شدند و به مدد کلام الهی خطبا و شعراء و ادباء با تمسک به شیوه‌های قرآن، آثار مهمی را از خود برجای نهادند.

میخائیل نصیحه نویسنده لبنانی در رابطه با این امام همام می‌نویسد که «علی(ع) تنها در میدان جنگ قهرمان نبود، بلکه در همه جا قهرمان بود. در صفای دل، پاکی وجدان، جذابیت سحرآمیز بیان، انسانیت واقعی... او در همه میدان‌ها قهرمان بود» (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۲۰).

ابن ابی‌الحدید معتزلی از علمای اهل سنت و شارح نهج‌البلاغه، در قسمت‌های مختلف از شرح خود بر این کتاب شریف، شگفتی خود را از فصاحت و بلاغت امام علی(ع) اظهار می‌کند و در جای‌جای این شرح مفصل، مقام معنوی امام و ارزش هنری و بلاغی سخنان او را مورد ستایش و تمجید

1. Edward Brown

قرار می‌دهد. او می‌گوید: «اما فصاحت، پس او امام فصیحان و سید بلیغان است و کلام ایشان پایین‌تر از سخن خالق و بالاتر از سخن مخلوق است» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۷). به صورت کلی، خطبه‌های امیرالمؤمنین علی (ع) از گذشته‌ها همواره با ویژگی‌هایی چون فصاحت و بلاغت، چند بُعدی بودن، زیبایی‌ها، تاثیر و نفوذ خطبه‌ها در جان‌های مستعد همراه بوده است.

با توجه به اهمیت و جایگاه معارف و علوم اسلامی، حتی پس از پایان سال چهارم هجری نیز به طور کلی مجامع علمی عصر اموی چون دوره خلفای راشدین فقط به تدوین و آموزش علوم دینی چون قرآن، تفسیر و حدیث، روایت و استنباط احکام و فتوهای شرعی درباره پیشامدهای تازه اهمیت می‌داد. در واقع علمی که در عصر اموی نیز رواج یافت، با دین ارتباط داشت (ابراهیم حسن، ۱۳۵۶، ص ۴۸۸). به طور مثال در بصره، در مدرسه‌ای که یکی از برجسته‌ترین اساتید آن حسن بصری بود، مباحث دینی مورد بحث قرار می‌گرفت (آربری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۵۲). یکی از مهم‌ترین معارف اسلامی در این دوره، فقه و علی‌الخصوص فقه شیعه بود. یکی از دستاوردهای مهم ایشان، ایجاد زمینه تفکر و استدلال در امور شرعی است. چنانچه در موارد متعددی آشکارا وظیفه خود را بیان اصول و قواعد کلی دانسته و استنتاج احکام فرعی و جزئی را به دیگران وامی‌گذاشتند (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۴۱).

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت و جایگاه علم و دانش در دین اسلام و تاکید و تشویق بزرگان دینی به فراگیری دانش و آموزش علوم، در پژوهش حاضر فرایند تدوین و آموزش معارف اسلامی از دوره آغازین ظهور اسلام تا پایان سال چهارم هجری بررسی شد. نتایج نشان داد که پیامبر گرامی اسلام (ص) چه در قالب روایات و حدیث و چه در قالب رفتار و عمل به آموزش علوم، به خصوص آموزش علوم اسلامی چون قرائت توجه و اهتمام ویژه‌ای داشتند. در دوره خلفای ثلاثه به دلیل ایجاد شورش‌هایی چون شورش اهل رده و نبرد با پیامبران دروغین و نیز آغاز عصر فتوحات و جنگ‌های خارج از شبه جزیره عربی، به استثنای توجه به آموزش علوم اسلامی چون قرائت، تفسیر و فقه به تدوین و آموزش سایر علوم توجهی نشد. حضرت علی (ع) نیز به جهت درگیری جنگ‌های داخلی که از آغاز خلافت ایشان تا پایان آن ادامه داشت، تنها فرصت آموزش و تدوین معارف اسلامی چون تفسیر، حدیث و نحو را یافت. همچنین از دوره اموی نیز به جهت ورود سرزمین‌های اطراف به اسلام و پذیرش این دین، چون افکار و عقاید متفاوتی پدید آمد، تلاش برای تدوین و تألیف در زمینه علوم اسلامی آغاز شد.

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابراهیم حسن، حسن (۱۳۵۶). **تاریخ سیاسی اسلام**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. بی جا: انتشارات جاویدان.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). **شرح نهج البلاغه**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۱.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۹ق). **اسد الغابه فی معرفه الصحابه**. بیروت: دارالفکر، ج ۳.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). **مقدمه**. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی، ج ۲.
- ابن سعد (۱۳۷۴). **طبقات الکبری**. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ج ۲، ۸.
- ابن عبدالبر، ابوعمر ابویوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق). **الاستیعاب فی معرفه الاصحاب**. تحقیق علی محمد البجاوی. بیروت: دارالجلیل، ج ۴.
- ابن هشام، عبدالملک (بی تا). **السیره النبوه**. تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلبی. بیروت: دارالمعرفه، ج ۲.
- امین، احمد (۱۳۱۶). **پرتو اسلام**. ترجمه عباس خلیلی. تهران: وزارت معارف، ج ۱.
- بروان، ادوارد (۱۳۴۳). **تاریخ طب اسلامی**. ترجمه مسعود رجب نیا. بی جا: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بدر بن ناصر (۱۴۲۰ق). **بحر المحيط**. ریاض: مکتبه الرشد.
- بغدادی، عبداللطیف (بی تا). **الافاده والاعتبار**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷). **فتوح البلدان**. ترجمه محمد توکل. تهران: نشر نقره.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۴). **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**. قم: دفتر نشر معارف.
- حرّ عاملی، محمدحسن (۱۴۱۲ق). **وسائل الشیعه**. قم: آل البيت، ج ۱۸.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۲). **تاریخ تمدن اسلام**. بی جا: انتشارات اساطیر.
- زیدان، جرجی (بی تا). **تاریخ تمدن اسلام**. ترجمه علی جواهرکلام. بی جا: موسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۳.
- قربانی، زین العابدین (بی تا). **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۹۸۱). **الجامع الصغیر**. بیروت: دارالفکر، ج ۲.
- شبلی نعمانی، محمد (۱۳۲۸). **تاریخ علم کلام**. ترجمه داعی گیلانی. تهران: اساطیر.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۵ق). **الاصابه فی تمیز الصحابه**. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲.
- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۷۲). **تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی**. ترجمه نورالله کسائی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن (بی تا). **روضه الواعظین**. قم: انتشارات رضی.
- قنطی، جمال الدین (۱۳۷۱). **تاریخ الحكماء**. ترجمه بهمن دارایی. تهران: دانشگاه تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). **الکافی**. المحقق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱.
- آربری، آ.ج. و همکاران (۱۳۷۸). **تاریخ اسلام**. ترجمه احمد آرام. بی جا: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- مفتی هندی (۱۴۰۱ق). **کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال**. محقق بکری حیانی و صفوه السقا. بی جا: موسسه الرساله، ج ۱۰.

- مجلسی، محمدتقی (بی تا). بحار الانوار. بیروت: دار الحیاء التراث العربی، ج ۳۹، ۳۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۴). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). سیری در نهج البلاغه. تهران: انتشارات صدرا.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه، ج ۲.
- نلینو، کرلو آلفونسو (۱۳۴۹). تاریخ نجوم اسلامی. ترجمه احمد آرام. تهران: کانون نشر و پژوهش های اسلامی.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۱). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
- الهامی، داوود (۱۳۷۸). تاریخچه نظام آموزشی اسلامی. پیام، شماره ۲۲.
- صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۸۱). روند تاریخی آموزش از صدر اسلام تا پایان امویان. طلوع نور، شماره ۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی